ص. ازهر

۲۰۲۱/۰۸/۰۵

چرا طالبان توانستند شب در میان

نیمی از ولسوالی های کشور را اشغال کنند؟

در مدت بیشتر از دو ماه اخیر، بعد از برامدن نیروهای امریکا و ناتو، طالبان توانستند در حدود دوصد ولسوالی را تصرف کنند.
شکی نیست که کمی شمار رزم آوران آزموده، نبود تسلیحات سنگین و راکت های دورزن، ناتوانی نیروهای هوایی و مدافعه هوایی، نارسایی در کشف نظامی هوایی و زمینی، نبود استخبارات امنیتی قوی و گسترده، فساد و عدم هم آهنگی میان نیروها به علت نبود مرکزیت نیرومند و فقدان یک محل قوماندهٔ واقعی با فرمانده توانمند قوی همیشه فعال، آگاه و مبتکر، رهبران بیمار و بی عرضه در وزارت ها و ارگان های امنیتی، فقدان دور بینی و آماده گی برای حوادث آنی و نا رضایتی مردم از آنچه بر ایشان در طول این بیست سال گذشت علت های عمده یی اند که زمینه ساز چنین پیش آمد ناگوار گردیدند.
امریکایی ها در درازای بیست سال، پلانگزاری تمام عملیات های رزمی و اکمالات را در قبضه خود داشتند و با خروج آنی نیروهای نظامی شان، نظامیان افغان در خلای پلان و تدارک اکمالات و عملیات قرار گرفتند. امور کشف نظامی را نیز آنها در دست داشتند و افغانها را نخواستند در این عرصه به خود متکی سازند. هوا پیماها و هلیکوپتر های محدود و اکثراً تاریخ زده در اختیار نیروی هوایی افغان گذاشته اند که پیوسته به دلایل نقص فنی یا سقوط می کنند و یا از کار باز می مانند و به هیچ وجه جوابگوی جنگ تحمیل شده پیچیده و سنگین در کشوری با مرزهای باز و طولانی با دشمنان تجاوزکار، بوده نمی توانند. نیروی هوایی ما نهایت ناتوان و فاقد هواپیماهای جت جنگی پیشرفته، هواپیماهای ترانسپورتی، هلیکوپتر های توپدار، مدافعه هوایی قوی، کشف هوایی و تسلط بر فضای کشور است.
تا جایی، این کمی ها قابل فهم اند. با آن هم، سقوط های پیهم و سریع ولسوالی ها، در معظم حالات بدون مقاومت، پرسش های ذیل را مطرح می کند:
آیا این لشکر نیابتی پاکستان با آماده گی های قبلی، با استفاده از خلای آنی ایجادشده از خروج نیروهای خارجی، دست به کار شده قادربه تصرف نزدیک به دوصد ولسوالی گردیدند؟
آیا مورال ضعیف نیروهای امنیتی سبب شد بدون مقاومت ساحه را رها کنند؟؟
آیا خیانت و تسلیمی افسران چنین نتیجه را بار آورد؟
آیا زد و بندهای بزرگان قوم، تفنگ سالاران و قوم تاجران، سقوط های پیاپی را سب شد؟
آیا بیزاری مردم ازفساد گسترده و قانون گریزی دولت و گروه حاکم و به ستوه آمدن شان از کشتارمسلسل و متداوم از سوی مثلث امریکا – طالبان – حکومت افغان، باعث رجحان پیوستن به طالبان گردید؟
در حالی که نقش بعضی از این فکتورها، بالخصوص بیزاری مردم از فساد و خودسری و زد وبندهای بزرگان محل، را نمی توان نادیده گرفت، مرا عقیده بر آنست که این حوادث که برای ما آنی و شگفت انگیز جلوه کرد، برای طراحان آن امر عادی و جزء همان پروژه ایست که در طول زمان
بر آن کار صورت گرفته و از تاریخ توافقنامه دوحه میان امریکا و طالبان با فشار مضاعف بر طرف افغانی، برایش سرعت تعجیلی داده شده است.
ببینید، مذاکرات دوحه میان خلیلزاد و طالبان بدون اشتراک و دور از نظر حکومت افغانستان، خودش هتک حرمت افغان ها و در تضاد با ادعای استقلال و حاکمیت آنها، در تعارض با توافقنامه امنیتی و تمام قوانین و موازین قبول

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

شده بین المللی بود. توافقنامه دوحه و اعلامیه کابل نیز در زیر فشار، با شباهت کم و بیش با معاهده دیورند، بر حکومت افغانستان تحمیل شد.
دیدیم که در فشارهایی که برای رهایی پنج هزار طالب و همچنان بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۹ در تحمیل دوباره حکومت موازی برریس جمهور دکتور اشرف غنی وارد آورده شد، تهدید قطع کمک ها حتا در عمل پیاده شد. چنانچه یک ملیارد دالر از این کمک ها برای افغانستان دست نگر و محتاج منجمد گشت و کمک های نوینِ دیگر کشورها و سازمان ها نیز ملتوی گردید. غنی در وهله اول مقاومت کرد و گفت کمبود مالی را از منابع داخلی با در پیش گرفتن یک برنامه ریاضتی تکافو خواهیم کرد. اما بالآخر مجبور به پذیرش خواسته های امریکا شد.(این ها را یادداشت کنید)
طالبان بعد از موفقیت در مذاکرات دوحه با در دست داشتن سند به ظاهر تسلیمی دولت امریکا و کسب مقام مساوی با آن، بال کشیده دست از پا نشناخته از پایتخت های قدرت های بزرگ سر بر آورده با غرور تمام از تشکیل امارت اسلامی و اظهار شفقت در پذیرفتن گروه های دیگر در زیر زعامت شان سخن راندند.
رغم رهایی شش هزار زندانی، طالبان هیچگاه به مذاکرات سازنده بین الافغانی تن ندادند. بعضی از طرح های داغ امریکا، از جمله طرح نشست مهم استانبول را جدی نگرفتند. (یادداشت کنید)
امریکا خروج نیروهایش را به صورت غیر منتظره سرعت بخشید و پایگاه عمده بگرام را شب هنگام و دور از انظار و اطلاع حکومتیان فرار گونه تخلیه کرد و طالبان نیز به صورت غیر منتظره و با اطمینان، ده ها ولسوالی را، در بیشترین حالات بدون مواجهه با مقاومت، تصرف کردند. تا آنکه بعد از اندکی پس و پیش رفتن به روایتی ۱۹۳ ولسوالی در تصرف شان قرار گرفته است.(یادداشت کنید)
مذاکرات در تهران به تاریخ ۷ جولای به رهبری یونس قانونی و عباس ستانکزی، که بدون شک طرح امریکا بود، با امیدواری بزرگ برای نشست سطح بلند در آینده نزدیک در دوحه به پایان رسید. چنانچه کریم خرم آن را ره گشا دانسته اظهار اطمینان کرد که در نشست مهم آینده قدم های بزرگی به سوی صلح نزدیک برداشته خواهد شد. در این هیأت کریم خرم، ارشاد احمدی، سلام رحیمی مشاور رییس جمهور و برخی از نماینده گان احزاب سیاسی حضور داشتند.
آماده گی برای نشست بلند پایه با شور وشوق زایدالوصف و امیدواری های بزرگ به سرعت انجام شد و به رهبری دکتور عبدالله عبدالله رییس شورای عالی مصالحه ملی و عضویت سید منصور نادری وزیر دولت در امور صلح، محمد کریم خلیلی معاون پیشین ریاست جمهوری، عطا محمد نور والی پیشین بلخ، باتور دوستم از اعضای رهبری حزب جنبش ملی و عضو هیأت گفتوگوکنندهی صلح، و برخی از چهرههای سیاسی دیگر به روز جمعه ۲۶ سرطان عازم دوحه شدند و بعد از دو روز مذاکره به تنها توافقی که دست یافتند امیدواری برای ادامه مذاکرات و بذل توجه به بیماری کویید ۱۹ بود.
پیش از این گزارش شده بود که حامد کرزی، رییس جمهور پیشین نیز عازم دوحه میشود. او این هیأت را تا میدان هوایی همراهی کرد و در کنفرانس مطبوعاتی نیز شرکت داشت، ولی به دوحه نرفت. کلب الدین حکمتیار، یونس قانونی و صلاح الدین ربانی نیز از اشتراک در هیئت خودداری کردند. این که چرا این جهار چهره مهم از اشتراک در نشستی بلند پایه و مهم خوانده شده ابا ورزیدند و کرزی از میدان هوایی باز گشت، ابهاماتی را به وجود می آورد. آیا دستور گرفتند و برای یک مرحله دیگر نگه داشته شدند؟!
تصور می شود طالبان نیز مثل فرماندهان شان در آی اس آی، با امریکا بازی موش و گربه راه انداخته اند. وقتی با امریکا می نشینند وعده همکاری می دهند ولی افغان ها را دست خالی باز می گردانند. مذاکرات روتین میان حکومت و طالبان که از جولای ۲۰۲۰ تا کنون کوچکترین پیشرفت و دست آوردی نداشته است. امریکا ظاهراً برای به حرکت آوردن این رکود و گویا زود به نتیجه رسیدن، به چنان ابتکاراتی دست زد که تصور می شد مطمین است نتایج زودثمر درپی دارند. نشست پلان شده استانبول، نشست قانونی و ستانکزی در تهران و نشست بلند پایه دوحه، همه در همین ردیف پلان شدند و همه با همان سرنوشت دچار گشتند. در هر یکی از این مواردِ بازی شطرنج، چالِ طالب برنده بود و توانسته بود امریکا را، اگر شریک پشت پرده این زیچی نباشد، فریب دهد. (یادداشت کنید)
طالبان که یکی از دلایل شان در رد انتخابات، حاکمیت حکومت دست نشانده بر مراکز اداری و تجارب تلخ تقلب های لجام گسیخته در انتخابات گذشته بود، اکنون که نیمی از مراکز اداری و به ادعای خود شان ۸۵ در صد از اراضی کشور را زیر فرمان دارند، باز هم به انتخابات و نظام جمهوریت نه گفتند. (یادداشت کنید)
این را هم یادداشت کنید که تسلیمی بیشتر ین ولسوالی ها، بدون لشکر کشی اضافی طالبان، برای طالبان موجود محل صورت گرفته است. در حالی که نیروهای امنیتی چنان هم ضعیف نبودند که از هیچ یک از این ولسوالی ها دفاع کرده نتوانند.
حقایق ذیل را نیز براین یادداشت ها بیفزایید:

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

مارشال(!) افغانستان عبدالرشید دوستم که گویند به دلیل بیماری رهسپار ترکیه و در آنجا ماندگار شد و گفته می شود اکنون در تاشکند به سر می برد، پسرش که قومانده دفاع مناطق مورد ادعایش را بر عهده داشت نیز غایب صحنه گردید؛
گروپ حامد کرزی در قندهار که از زمان حاکمیت وی تا کنون در وجود رییس شورای ولایتی محمد ولی کرزی و بعد از مرگ وی خاکریزوال رییس دایمی شورای ولایتی، تادین خان و بازمانده گان شهید جنرال عبدالرازق، گل آغا شیرزی معروف به بلدوزر پسر جنایتکار معروف ملا لطیف، خاندان کرزی و شمار انگشت شمار دیگر،کل اختیار آن ولایت بوده اند و بلوف های شان حکومت مرکزی را پیوسته به لرزه می آورد، به یکباره گی یا میدان را رها کرده به کابل و کویته گریختند و یا گردن انقیاد به طالبان گذاشتند. سخنان چندی پیش آقای خانزاده والی نسبتاً جدیدالتقرر قندهار را، که بعد از ناکامی پی در پی این گروه و تجدید نظر دلاورانه (!) حکومت بر کارمندان اداری و امنیتی آن ولایت مسوولیت آن جا را بر عهده دارد، همه شنیده ایم. من این خبر را عیناً نقل می کنم:
»روح الله خانزاده، والی قندهار روز شنبه ۱۷جولای (۲۶ سرطان) در یک کنفرانس خبری گفت که تعدادی از سیاسیون در ناامنیهای اخیر در قندهار نقش داشته اند.
در حالی که طالبان برخی مناطق در قندهار از جمله سپین بولدک را تصرف کرده اند، والی این ولایت میگوید که اکثر این مناطق بدون درگیری به طالبان سپرده شده اند.
آقای خان زاده گفت: "قندهار از نظر سیاسی سقوط کرده است، قندهار از نظر نظامی سقوط نکرده است. با یک تماس تلیفونی ولسوالیها را ترک کرده اند. اگر سقوط نظامی میبود کسی درولسوالیها شهید یا زخمی میشد و سپس [آنجا] را رها میکردند. هزاران سرباز رفته و در خانههایشان نشسته اند" .
والی قندهار گفت که پوستههایی وجود دارد که چهار روز پیش رها شده و حتا طالبان تاکنون آنها را تصرف نکرده است. او افزود که ۵۰ در صد پوستهها با یک تماس تلیفونی رها شده اند.
آقای خانزاده گفت که این رهبران ولایت قندهار" در کابل نشسته اند"، اما صریحاً از هیچ فرد یا گروهی نام نبرد.
والی قندهار بدون گرفتن اسمی هشدار داد که اگر آنان از سر ملت قندهار دست نبردارند، قضیههای فساد آنان را به تمام افغانستان افشا خواهد کرد«.
حکمتیارها، گیلانی ها، مجددی ها، مسعودها، صلاح الدین ربانی، قانونی، تورن اسماعیل و دیگر فرکسیون های مختلف جمعیت به جز معلم عطا، که او هم می خواست نیروهای امنیتی را زیر فرمان داشته باشد ورنه هیچ، هیچ کدام رغم بلوفهای سابقه، از جا نجنبیدند. فعال شدن پسان (کنونی) تورن اسماعیل بر می گردد به تصمیم نو امریکا که روی آن در سطور بعدی خواهم نوشت.
اکنون با در نظرداشت این همه یادداشت ها و حقایق آشکار بیان شده، به همان نتیجه می رسیم که در فاکت های ارائه شده در مقاله «بازی های بزرگ ستراتژیک» تشریح و از آشی که برای آینده افغانستان پخته اند، پرده برداری شده است. به همین دلیل همه این ولسوالی ها از راه جنگ به تصرف طالبان نیامده بلکه به آنان سپرده شده اند.
چطور؟
به یاد دارید که یورش های نخستین طالبان در سال های نود میلادی هم رغم محدودیت شمار ابتدایی شان دست آوردهای سریع و درخشان داشت. دلیل آن این بود که از یکسو مردم از دست کشتار و چپاول جنگ سالاران جهادی چنان از نفس افتاده بودند که هر
کسی را که در لباس ناجی ظاهر می شد از دل و جان استقبال می کردند، از سوی دیگر مجموع قوماندانان جهادی تربیت یافته و اجنت های آی اس آی پاکستان بودند و با یک اشاره ی آن سازمان همه سلاح برزمین گذاشته تسلیم شدند و یا با آنها پیوستند. حتا کلب الدین لافوک را نیز وزش باد آنها از جا پراند و فراری گشت. احمدشاه مسعود هم یا خود را ناتوان یافت و یا از جایی دستور ترک پایتخت را گرفت.
حال که از مدت بیست سال به اینسو، ابر قدرت امریکا با توان مالی و نظامی افسانوی و اقمار نیرومند نظامی و مالی آن چون بریتانیا، المان، فرانسه، ایتالیا، کانادا، آسترالیا، هالند و ده ها کشور دیگر و ساز و برگ ناتو با توانایی ها و خبره گی های غیر قابل باور نظامی و استخباراتی، در افغانستان مستقر بودند، آنچه انجام دادند نگه داشتن توازن جنگی میان حکومت افغان و لشکر نیابتی پاکستان بود تا پله قدرت به هیچ طرفی سنگینی نکند. اما کار جدی و اساسی همه آنها ایجاد و گسترش شبکه های استخباراتی بود در سرتا سر کشور تا سطح ولایات، ولسوالی ها و روستاها در داخل کشور و پیشبرد عین وظایف در کشورهای همجوار ومنطقه تا حد توان. در میان این کم و بیش چهل وسه کشور، آنهایی هم بودند که شمار نیروهای شان دو رقمی و یا کمی بالاتر بود. آنها که به هیچ وجه قادر نبودند در تامین امنیت کشور ما سهم گیرند، در حقیقت اهل خبره استخباراتی بودند که برای همکاری با استخبارات امریکا آورده شده بودند و امنیت شان نیز از طرف نیروهای افغان تامین می شد.
پس امریکا با داشتن چنان شبکه گسترده استخباراتی، توانایی آن را دارد که فرماندهان محلی، بزرگان قومی، ملاها و حتا افسران نظامی و امنیتی استخدام شده را فرمان تسلیمی یا همکاری در تسلیمی بدهد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

سر و صداهایی از مقامات حکومتی هم بلند شد که حاکی از سازش های بزرگان محلی و تشویق یا وادار کردن نیروهای امنیتی محل از سوی آنها برای ترک پوسته ها و یا تسلیمی به طالبان محل، بود. طالبان نیز اعلان نمودند که ولسوالی ها را نه در اثر جنگ بلکه در نتیجه تفاهم تصرف کرده اند.
اکنون همه یادداشت ها و فاکت های ارائه شده را کنار هم بگذارید و این حقیقت را باز هم بر آن بیفزایید که نیروهای حکومتی آنقدر هم ناتوان و فاقد اکمالات نبودند که بدون مقاومت پوسته های شان را رها کنند، ما را فقط به یک احتمال نزدیک به یقین می رساند که این رها کردن ها و تسلیمی ولسوالی ها خواست امریکا بود.
خوب، تا این جا به احتمال نزدیک به یقین رسیدیم. اکنون دو فاکت عمده و غیر قابل انکار را از زبان خود مقامات امریکایی علاوه می کنیم تا احتمال به صورت کامل نفی و یقین جاگزین آن گردد:
- 1 قبلاً نوشته بودم افاده هایی از جانب مقامات نظامی و سیاسی امریکا صو.رت گرفته بود که طالبان نمی توانند کابل را تصرف کنند. معنای بدبینانه این افاده این بوده می تواند که برای طالبان مجال تصرف بقیه سرزمین افغانستان داده می شود ولی کابل برای فراهم بودن تسهیلات نشست و برخاست در میدان هوایی و استفاده از هوا و زمین کابل، حفاظت می شود.
- 2 جاناتن شرودن رییس مقابله با تهدیدها و چالش ها در مرکز تحلیل قوای بحری امریکا و کارشناس امور نظامی افغانستان در مصاحبه با برنامه دری آشنای صدای امریکا به تاریخ ۲۶ جون با صراحت آشکار ساخت که قبل از آغاز پروسه اخیر خروج نظامیان امریکا و ناتو، برای حکومت اشرف غنی مشوره داده شد نیروهای خود را از ولسوالی ها کشیده در دفاع از شهرها تمرکز دهد. این مشوره از جانب غنی برای آن رد شد که نمی خواست در برابر طالبان ضعیف وانمود گردد. شاید غنی حق به جانب بوده باشد ولی دیدیم که طالبان برنیمی از ولسوالی ها مسلط شدند. وی گفت آنچه را در آن وقت نپذیرفت اینک خودش پیاده می کند.
این دو افاده و اعتراف، فاکت های قبلی ارایه شده و نتنیجه استخراج شده را تکمیل می کند و تاکید است بر صحت نظر ما.
این که اهداف امریکا از تصمیم رهایی نیمی از ولسوالی ها به طالبان چه بوده خواهد بود حدس بنده اینست:
-برداشتن یک گام بزرگ به سوی پیاده کردن برنامه قبلاً تشریح شده ستراتژیک.
-تأدیب اشرف غنی که بارها گفته بود با قطع کمک های امریکا، از منابع داخلی و مدارک دیگر چاره سازی خواهد کرد. غنی اکنون با از دست دادن تمام بنادر به استثنای تورخم، که آن هم همواره با ناز و نخره های باز و بسته کردن پاکستان مواجه است، عمده ترین منبع عایداتی مالیات گمرکی و رونق صادرات و واردات را از دست داده است. فراموش نکنیم که امریکا کنترول میدان هوایی را نیز از دست حکومت بیرون نگه داشته شده است.
-متقاعد ساختن غنی به این که با چه سهولتی راه های اکمالاتی ضروریات روزمره و منابع درامد مالی بسته شده می توانند و امکانات به دست آوردن اسلحه و تجهیزات از همسایه گان شمالی و شمال شرقی را از دست می دهد.
-آزمایش طالبان در عملکرد اداره محلی و تفاوت های آن با حاکمیت سال های نود آنها.
-آزمایش طالبان در پذیرش یا رد انتخابات بعد از توسعه چشمگیر قلمرو شان.
-آزمایش طالبان برای تعیین میزان وفاداری و اطاعت از امریکا بر مبنای بخش مخفی توافقات دوحه.
اشرف غنی و هر کس و نیرویی که در تلاش نگه داری افغانستان از افتادن در چاهی که برایش کنده شده، می باشد، به یقین این درس را خوب آموخت و در هر راهی که می رود آن را فراموش نخواهد کرد.
خود امریکا نیز از آزمون های طالبان درس های خوبی گرفت. او دریافت که طالبان در عمل ثابت کردند که تمام تظاهر شان به تغییر، نادرست بوده حتا خیلی بد تر از بار اول عمل می کنند و به مراتب قصی تر اند. کشتار انتقام آمیز، تخریب آبادی ها، تصرف دارایی ها، واداشتن زنان به ازدواج اجباری با طالبان، سلب حق کار و آزادی های زنان، لغو آزادی بیان و خلق فضای دهشت و وحشت، گوشه یی از چگونگی حاکمیت آنهاست که مردم را مجبور به ترک منازل و محلات شان گردانیده با تمام بی نوایی رهسپار شهرها شدند.
امریکا دریافت که طالبان رغم حاکمیت بر ۸۵ درصد سرزمین به ادعای خود آنها و رغم ادعای محبوب بودن در میان مردم،از پذیرش انتخابات ابا می ورزند.
با فریب کاری ها و گردن کشی های مکرر طالبان، امریکا باید دریافته باشد که در آینده نیز لشکریان مورد اعتماد نخواهند بود.
بنا بران امریکا که از مدتی در برابر پیش روی ها و اعمال طالبان خاموشی اختیار کرده بود اینک بار دیگر، بعد از تشدید حملات آنها بر مراکز ولایات عمده غربی، با اشتراک (شاید محدود) در عملیات هوایی، می خواهد آنها را به وعده های شان که گفته بودند بر شهرهای بزرگ و مراکز ولایات حمله نمی کنند، متوجه ساخته موازنه نسبی نوینی میان دو طرف ایجاد کند. مقام های نظامی امریکا همین امروز ادعا کردند که روزانه در حدود پنج پرواز عملیاتی انجام می دهند. این خود نشان دهنده محدود بودن اشتراک و دوری گزیدن از قاطعیت است.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

همین موضعگیری امریکا مشوق اسماعیل خان نیز گردید تا بکوشد در رآس مقاومت های مردمی قرار گیرد. اما عطا، همان طوری که قبلاً نوشتم می خواست یا فرماندهی همه نیروها، به شمول نیروهای مسلح حکومتی را داشته باشد و یا هیچ، اکنون چنان می نماید که به هیچ رفته است.
طوری که می دانیم از چندین روز به این سو یورش بزرگ و بسیار نیرومند نظامیان پاکستان در لباس طالب ها و به همراهی طالبان بر مراکز سه ولایت بزرگ و ستراتژیک قندهار، هلمند و هرات صورت گرفت. این هجوم چنان سنجیده شده و غافلگیر کننده بود که به زودی تا کوچه های مرکز این شهرها گسترش یافت ولی با مقاومت سخت نیروهای مسلح کشور و مردم رو به رو گردید. با اعزام نیروهای کمکی و هدف گیری های هوایی، دشمن متحمل ضایعات بزرگ انسانی شده است.
بعد از آنکه نیروهای بیشتر کوماندو و قطعات خاص به هرات رسیده کمر مدافعان را بستند، تصفیه شهر هرات با پشتیبانی نیروهای مردمی به سرعت پیش رفت و نیروهای وحشت و ترور از مرکز شهر روفته شدند.
مردم هرات شب هنگام روی بام ها و کوچه ها برامده با فریاد الله اکبر پشتیبانی شان را از مدافعان سرسپرده آشکار کردند. وحدت صف و عمل در هرات زود ثمر داد و نمونه خوبی برای به کار بستن ایجاد نموده نشان داد وحدت ضامن پیروزی است.
ما از دکتور غنی خواسته بودیم در برابر ملت ظاهر شده با شجاعت تام، دام ها و تزویرهای دشمنان را افشا نماید و قدم پیش نهاده یک رستاخیز مردمی را دعوت و رهبری کند. او دیروز ۱۱ اسد ۱۴۰۰ (۲ اگست ۲۰۲۱) گامی برداشت، اما به سبک خودش، که به عقیده بنده در شرایط دشوار کنونی درست است. او در نشست مشترک شورای ملی از تمام احزاب، گروه ها، شخصیت ها و مردم خواست تا تمام تفاوت های شان را کنار گذاشته برای نجات کشور و برامدن از این ورطه خطرناک در یک صف بایستند و برای مبارزه با تروریست ها در کنار نیروهای امنیتی قرار گیرند. اوگفت من انسان واقعبین استم. در گذشته زنده گی نمی کنم. مسوولیتم را احساس می کنم و می دانم که اکنون وقت اتحاد و همبستگی است و فرصت برای جدا ساختن ملامت و سلامت نیست. قضاوت در مورد گذشته نزدیک را به وجدان آگاه هر مرد و زن افغان می گذارم. تمرکز امروز من بر وحدت ملی و یکپارچگی ماست.
اگر غنی بتواند آنگونه که قبلاً تاکید ورزیده بود، قوت های مردمی را در چوکات امنیت ملی یا پولیس و زیر قوماندهٔ افسران دولتی تنظیم و به دفاع بگمارد، بزرگترین موفقیت را به دست خواهد آورد. او می تواند از افسران نسبتاً جوان متقاعد یا بیکار ساخته شده برای تنظیم این نیروها و سوق و اداره شان نیز استفاده کند. رهران جهادی دیروز باید با درک خطر سقوط کامل کشور، دست از خودخواهی های بچه گانه و نیابت از دشمنان برداشته در صف واحد در عقب غنی(ولو بد و منفور) به مثابه ممثل فعلی دولت بایستند.
در چنین شرایطی و با توجه به برنامه های شومی که این انکشافات جزء آن اند، دست زیر الاشه نشستن و چشم به راه ترحم امریکا یا قدرت های دیگر ماندن، خود فریبی و جفا با مادر وطن است. تنها وحدت ملت و بیشتر از همه وحدت نیروهای روشن ضمیر وطندوست، صلح خواه، دموکرات و تحول طلب، می تواند در یک هم آهنگی نظم داده شده، این جریان مهیب شیطانی را با مبارزات پیگیر توده های ملیونی مهار زده این خلق بلا کشیده را به سوی صلح واقعی و رفاه رهنمون گردد.
رو شنگری و افشای دسایس و توطئه ها برای پیشکش حقایق به جامعه مهم است اما کافی نیست. این تصور که ما با نوشتن چند جمله یا صحبت شفاهی ادای دین کرده ایم، در شرایط فعلی خطا و جفاست. باید به هر نحوی شده وارد میدان عمل شدن را جستجو کنیم و راه خلق یک جنبش وطنی سراسری را هموار گردانیم. تکنالوژی معاصر امکانات وسیعی را در دسترس همه گان قرار داده است اما استفاده و به کار برد درست و به جای آن اراده و احساس مسوولیت می طلبد. بارها این ضرورت را خدمت عزیزان یادآور شده ام، ولی پیشقدمی هیچ فرد یا گروهی را در این عرصه شاهد نبوده ام.
سوال بود و نبود، مرگ و زنده گی مطرح است.
سره یو کیږو به! که نه، ورکیږو به!
جرمنی ۱۲ اسد ۱۴۰۰
۳ اگست ۲۰۲۱

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ